Quarterly Journal of Economic Research and Policies Vol. 32, No. 112, Winter 2025

Emerging issues of the digital economy and its tax challenges in Iran (Cryptocurrencies case study)

Nafiseh Salehnia
PhD in Economics, Tarbiat Modares University (Corresponing Author)
nafiseh.salehnia@gmail.com
Mohammad Mehdi Nasr Harandi
MA in Computer Engineering, Director of the Ethical Studies Department,
Cyberspace Research Institute
mohammadmahdi.nh14@gmail.com
Sajedeh Salehnia
MA in Public Administration, Payam Noor University, West Tehran
Sajedeh.salehnia@gmail.com

Given the high volume of transactions in the digital economy, this area can be considered as one of the tax bases for generating revenue for the government. Therefore, planning for tax collection from this area is necessary in Iran. Currently, there are many challenges in the field of tax collection, identifying which is the first step towards planning and optimal use of this revenue capacity. This article aims to identify tax challenges related to the specific characteristics of the digital economy, and especially cryptocurrencies. First, using the meta-synthesis method, the general challenges related to the nature of the digital economy were identified, and then using semi-structured interviews with 16 experts from the country's Tax Affairs Organization, the challenges related to cryptocurrencies were identified. After identifying the challenges, these factors were classified into four categories based on the criteria of importance and urgency: critical challenges, strategic challenges, urgent but low-impact challenges, and challenges that can be ignored for the time being. Accordingly, the main tax challenges in the field of cryptocurrencies include the lack of adequate regulations, problems with transaction tracking, lack of technical infrastructure, and lack of access to sufficient data. The implementation priorities of policies and suggestions for improving these issues are detailed in the article.

JEL Classification: O3, E00, E6, H2.
Keywords: Digital economy, Cryptocurrency, policy making, Taxation.

Reccived: 2024/10/13 Accepted: 2025/02/19

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۱۲
سال سی و دوم، زمستان ۱۴۰۳، صفحه ۲۷۰ - ۲۳۲

مسائل نوظهور اقتصاد دیجیتال و چالش‌های مالیاتی آن در ایران (مورد مطالعه رمز ارزها)

نفیسه صالح‌نیا
دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)
nafiseh.salehnia@gmail.com
محمدمهدی نصر هرندی
کارشناسی مهندسی کامپیوتر، مدیر گروه مطالعات اخلاقی، پژوهشگاه فضای مجازی
mohammadmahdi.nh14@gmail.com
ساجده صالح‌نیا
کارشناسی ارشد، مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور تهران غرب
Sajedeh.salehnia@gmail.com

با توجه به حجم بالای معاملات انجام شده در اقتصاد دیجیتال، این حوزه می‌تواند به عنوان یکی از پایه‌های مالیاتی جهت کسب درآمد برای دولت در نظر گرفته شود. بنابراین برنامه‌ریزی در زمینه مالیات‌ستانی از این حوزه در ایران ضرورت دارد. در حال حاضر، چالش‌های زیادی در زمینه مالیات‌ستانی وجود دارد که شناسایی آنها، اولین گام جهت برنامه‌ریزی و استفاده بهینه از این ظرفیت درآمدی است. مقاله حاضر با هدف شناسایی چالش‌های مالیاتی مربوط به ویژگی‌های خاص اقتصاد دیجیتال و به طور ویژه رمز ارزها انجام شده است. ابتدا با استفاده از روش فراترکیب به شناسایی چالش‌های کلی مربوط به ماهیت اقتصاد دیجیتال پرداخته و سپس با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر از خبرگان سازمان امور مالیاتی کشور، چالش‌های مربوط به رمز ارزها شناسایی شده است. پس از شناسایی چالش‌ها، این عوامل بر اساس معیارهای میزان اهمیت و فوریت در چهار دسته چالش‌های بحرانی، چالش‌های استراتژیک، چالش‌های فوری ولی کم اثر و چالش‌هایی که می‌توان فعلاً آن‌ها را نادیده گرفت، طبقه‌بندی شد. بر این اساس چالش‌های مالیاتی اصلی در زمینه رمز ارزها شامل نبود قوانین کافی، مشکلات ردیابی معاملات، نبود زیرساخت‌های فنی و عدم دسترسی به داده‌های کافی است. اولویت بندی اجرایی سیاست‌ها و پیشنهاداتی برای اصلاح این امور در مقاله به طور مبسوط بیان شده است.

طبقه‌بندی JEL: O3، E00، E6، H2.
واژگان کلیدی: اقتصاد دیجیتال، رمز ارز (ارز دیجیتال)، سیاست‌گذاری، مالیات.

❁ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳ / ۷ / ۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳ / ۱۲ / ۱

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، توسعه فناوری‌های نوظهور نظیر محاسبات ابری، اینترنت اشیا، داده‌های بزرگ و نسل پنجم ارتباطات 5G باعث شکل‌گیری و گسترش سریع اقتصاد دیجیتال در سطح جهانی شده است. ارزش معاملات تسهیل‌شده توسط پلتفرم‌های دیجیتال به‌سرعت در حال افزایش است، به طوری که پیش‌بینی می‌شود در دهه آینده رشد سالانه آن به ۳۵ درصد برسد (Carpentieri et al, 2019, p.5). هم‌زمان، نقش کلیدی شرکت‌های فناوری در اقتصاد جهانی قابل‌توجه بوده، به نحوی که پنج شرکت بزرگ فناوری در سال ۲۰۲۰ ارزشی بیش از ۶ تریلیون دلار داشتند و درآمدی بالغ بر ۸۰۰ میلیارد دلار کسب کردند (Harpaz, 2021, p.57).

رشد قابل‌ملاحظه اقتصاد دیجیتال، توجه سیاست‌گذاران را به لزوم تدوین چارچوب‌های مالیاتی در این حوزه جلب کرده است. بااین‌حال، ویژگی‌های خاص اقتصاد دیجیتال از جمله اتکای زیاد به دارایی‌های نامشهود، معاملات بدون مرز، و پیچیدگی مدل‌های تجاری، چالش‌های جدی برای نظام‌های مالیاتی سنتی ایجاد کرده است. ازاین‌رو، مالیات‌ستانی از این حوزه به یکی از چالش‌های اصلی دولت‌ها تبدیل شده و نیازمند طراحی سیاست‌های نوین مالیاتی است.

یکی از چالش‌های نوظهور در اقتصاد دیجیتال، گسترش استفاده از ارزهای دیجیتال است. رمز ارزها، با ماهیت غیرمتمرکز و ناشناس بودن، سیستم‌های سنتی مالیاتی را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده‌اند. در بسیاری از موارد، نبود شفافیت در معاملات رمز ارزی، پیچیدگی در ارزش‌گذاری و تفاوت در قوانین بین‌المللی باعث شده است که امکان شناسایی و اخذ مالیات از این فعالیت‌ها دشوار شود. در این میان، تفاوت ساختاری میان نظام‌های مالیاتی کشورهای مختلف و نبود هماهنگی بین‌المللی، بر این چالش‌ها افزوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

در ایران نیز، با توجه به ماهیت نوپای اقتصاد دیجیتال و رمز ارزها، نظام مالیاتی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. نبود زیرساخت‌های قانونی و فنی، ناشناس بودن بسیاری از معاملات و عدم دسترسی مناسب به داده‌ها، از جمله مسائلی است که باعث کاهش اثربخشی مالیات‌ستانی در این حوزه شده است. از سوی دیگر، فقدان سیاست‌های جامع برای هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی و شفافیت در فرآیندهای مالیاتی، به‌ویژه در حوزه رمز ارزها، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور در این زمینه مطرح است.

مطالعه حاضر با هدف شناسایی این چالش‌ها و ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود نظام مالیاتی ایران در حوزه رمز ارزها انجام شده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای سؤالات زیر است:

- چالش‌های مالیاتی مسائل نوظهور در اقتصاد دیجیتال چیست؟
- چالش‌های کلیدی مالیات‌ستانی از رمز ارزها چیست و چگونه می‌توان با طراحی راهکارهای مناسب، این چالش‌ها را مدیریت و حل کرد؟

بدین منظور، ابتدا چالش های کلی مرتبط با ماهیت نوظهور اقتصاد دیجیتال از طریق مرور منابع کتابخانه‌ای شناسایی شده و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون، چالش‌های اجرایی و قانونی اخذ مالیات از رمز ارزها در ایران، از طریق مصاحبه با خبرگان سازمان امور مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن اولویت بندی چالش ها با استفاده از ماتریس اولویت بندی ارائه شده و بر این اساس پیشنهادهای سیاستی جهت مواجهه با چالشها مطرح شده است. این پژوهش تلاش دارد گامی در جهت تدوین سیاست‌های مالیاتی کارآمد در مواجهه با اقتصاد دیجیتال و رمز ارزها بردارد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اقتصاد دیجیتال به‌عنوان یکی از جدیدترین پدیده‌های اقتصادی، با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دهه‌های اخیر شکل گرفته است. این مفهوم به شبکه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی اشاره دارد که بر پایه فناوری‌های دیجیتال مانند اینترنت، موبایل و سیستم‌های حسگر انجام می‌شود (Hadzhieva,2016). در این اقتصاد، دارایی‌های نامشهود و داده‌های دیجیتال به مهم‌ترین عوامل تولید و ارزش‌آفرینی تبدیل شده‌اند. این ویژگی‌ها، اقتصاد دیجیتال را از اقتصاد سنتی متمایز کرده و در عین حال، چالش‌هایی برای نظام‌های مالیاتی به همراه داشته است.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اقتصاد دیجیتال، ظهور و گسترش ارزهای دیجیتال است. رمز ارزها به‌عنوان شکلی از دارایی دیجیتال، با استفاده از فناوری بلاک‌چین، امکان انجام معاملات بدون واسطه و ناشناس را فراهم کرده‌اند. این ویژگی‌ها، در کنار پیچیدگی در ردیابی و ارزش‌گذاری این دارایی‌ها، موجب شده است که دولت‌ها و نظام‌های مالیاتی برای تنظیم و اخذ مالیات از این حوزه با مشکلاتی روبه‌رو شوند.

پرداخت‌های الکترونیکی ویژگی‌های خاصی دارند که نظام مالیاتی متناسبی را می‌طلبند. در این سیستم شکل‌های جدیدی از پول ایجاد می‌شود که در آن ارزش، حالت دیجیتالی دارد. شکل دیجیتالی پول این امکان را می‌دهد که پول به‌سرعت و با کمترین هزینه در گستره جهانی جابه‌جا شود (محمود زاده و حسن‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۲).

نظام‌های متفاوتی از پول الکترونیکی در جهان وجود دارد که از سوی بانک‌ها، مؤسسات مالی و یا حتی برخی شرکت‌های غیرمالی صادر می‌گردند. بر اساس نگهداری یا عدم نگهداری سوابق عملیاتی توسط مؤسسات صادرکننده ارز مجازی، دو نوع سیستم متفاوت قابل‌شناسایی است. در نوع اول، مؤسسه صادرکننده (بانک و غیره)، سوابق نقل و انتقالات را به‌طور کامل یا جزئی نگاه می‌دارد و از این طریق می‌توان وضعیت مالی صاحب حساب را ملاحظه کرده و میزان

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

نقل‌وانتقال پول الکترونیک به حساب افراد مختلف را مشاهده نمود. به‌این‌ترتیب، حرکت پول الکترونیکی در درون اقتصاد یک کشور و به مقاصد خارج از کشور قابل ردگیری خواهد بود. این امر امکان حسابرسی فعالیت‌های انجام‌شده را فراهم می‌کند و چالش‌های مالیاتی در این زمینه چندان مطرح نیست. اما در نوع دوم که سوابق عملیاتی توسط مؤسسات صادرکننده ارز مجازی نگهداری نمی‌شود، پیگیری نقل و انتقالات در درون اقتصاد کشور و خارج از آن قابل انجام نبوده و مانند زمانی که پول نقد استفاده می‌شود، معاملات درجایی ثبت نمی‌شود. این نوع استفاده از پول الکترونیک یا ارز دیجیتال می‌تواند برای سازمان‌های مالیاتی چالش‌هایی را ایجاد نماید (توکل، ۱۳۸۵، ۳۱). البته هنوز در بیشتر کشورها این نوع پول الکترونیکی رواج نیافته است و در کشورهایی که این نظام وجود دارد نیز هنوز میزان استفاده از آن چندان گسترده نیست. اما در حال حاضر استفاده از این پول در برخی از کشورها به حدی شده که قوانین مالیاتی خاصی برای آن در نظر گرفته شده است و می‌توان پیش‌بینی کرد که در آیندهٔ نه‌چندان دور، استفاده از این وسیله فرار و گریز مالیاتی زیادی را به همراه خواهد داشت (طیب‌نیا و سیاوشی، ۱۳۸۸، ۲۵). از این‌رو مالیات‌ستانی از اقتصاد دیجیتال و به طور خاص ارزهای دیجیتال به یکی از اولویت‌های سیاستگذاری در کشورهای جهان تبدیل شده است. سازمان‌ها بین‌المللی و محققان مختلف نیز در حال بررسی مسائل مربوط به مالیات‌ستانی از این حوزه هستند. در ادامه پیشینه مطالعاتی و اجرایی این موضوع در سطح داخلی و بین‌المللی بررسی شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

جدول ۱. پیشینه پژوهشی مرتبط با موضوع تحقیق

نویسنده	هدف	نتایج
Bunn et al. (2020)	بررسی قوانین مالیاتی اقتصاد دیجیتال در سطح جهان	نظام‌های مالیاتی در کشورهای مختلف در مواجهه با اقتصاد دیجیتال، سیاست‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. مالیات بر خدمات دیجیتال و مالیات شرکتی بر تراکنش‌های دیجیتال از جمله سیاست‌هایی است که برای مواجهه با چالش‌های مالیاتی پیشنهاد شده است.
Zhu (2021)	پرداختن به محدودیت‌های سیستم‌های مالیاتی سنتی در شناسایی و اخذ مالیات از اقتصاد دیجیتال	ظهور مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال باعث کاهش اثربخشی نظام‌های مالیاتی سنتی شده است
Mpofu (2022)	بررسی تفاوت سیاست‌های مالیاتی در کشورهای مختلف	عدم هماهنگی بین‌المللی یکی از بزرگ‌ترین موانع در مالیات‌ستانی از اقتصاد دیجیتال است.
توکل (۱۳۸۵)	چالش‌های مالیاتی ناشی از استفاده از پول الکترونیکی در ایران	نبود سیستم‌های شفاف برای ردیابی تراکنش‌ها، یکی از مشکلات اصلی در اخذ مالیات از پول الکترونیک است.
بروجنی و حسینی (۱۳۹۹)	بررسی چالش‌های اخذ مالیات از تجارت الکترونیک در ایران	از منظر خبرگان چالش‌های حوزه قوانین و مقررات اصلی‌ترین بعد چالش‌ها در میان ابعاد احصائی بوده است.
طیب نیا و سیاوشی (۱۳۸۸)	ارائه الگویی جهت اعمال و اخذ مالیات از تجارت الکترونیکی در ایران	بهترین نوع مالیات برای تجارت الکترونیک، مالیات بر ارزش افزوده است. اما این قوانین در کشور ما نیاز به تغییر دارند.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در زمینه اخذ مالیات یا معافیت مالیات رمز ارزها در کشورهای مختلف قوانین متنوعی تدوین شده است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

جدول ۲. پیشینه اقدامات اجرایی در زمینه موضوع تحقیق

منطقه	کشور	قانون
کشورهای اروپایی	ایتالیا (۲۰۲۳)	طبق اظهارات مقامات مالیاتی ایتالیا، ارائه خدمات مبادله یورو با بیت کوین، که واجد شرایط دارایی رمزنگاری نیست، خارج از محدوده مالیات بر ارزش‌افزوده است. مقامات مالیاتی همچنین تأکید کردند که این موضوعات در حال حاضر هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی موردبحث قرار گرفته‌اند و نتایج حاصله ممکن است با توجه به تحولات آینده تغییر کند.
	بلژیک (۲۰۲۲)	در ۲۲ جولای ۲۰۲۲، مقامات مالیاتی بلژیک دستورالعملی را منتشر کردند که رفتار مالیاتی ارزهای دیجیتال و توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT) را مشخص می‌کرد. تراکنش‌های مبادله ارزهای دیجیتال از مالیات بر ارزش‌افزوده معاف هستند. همین امر در مورد مذاکره با شخص ثالث در چارچوب یک قرارداد برای انتقال بیت کوین صدق می‌کند. همچنین معافیتی برای تراکنش‌های مالی مربوط به ارزهای غیر سنتی وجود دارد، اما تنها درصورتی‌که این ارزها صرفاً به‌عنوان ابزار جایگزین پرداخت در نظر گرفته شده باشند. بااین‌حال، NFTها وسیله پرداخت محسوب نمی‌شوند. آن‌ها مجموعه‌های دیجیتال یا اشیاء هنری دیجیتال هستند که از مالیات بر ارزش‌افزوده معاف نیستند.
	اسپانیا (۲۰۲۲)	NFTها نباید به‌عنوان تحویل کالا طبقه‌بندی شوند، زیرا هدف معامله گواهی اصالت دیجیتال بدون تحویل فیزیکی فایل تصویری یا فایل دیجیتالی مرتبط با آن است که نشان‌دهنده NFT است، این قانون بین دو نوع دارایی دیجیتال در فرآیند ایجاد NFT تمایز قائل می‌شود: (۱) فایل دیجیتالی زیربنایی – مانند یک تصویر ویرایش شده با فتوشاپ. و (۲) خود توکن که نمایانگر ویژگی دیجیتالی فایل دیجیتالی است. انتقال NFT به معنای ارائه خدمات هنر دیجیتال است و بر این اساس، باید به‌عنوان خدمات دیجیتال مشمول مالیات بر ارزش‌افزوده با نرخ استاندارد مالیات بر ارزش‌افزوده طبقه‌بندی شود. درنهایت، مقرر شد که اگر چنین NFTهایی از طریق یک بازار آنلاین فروخته شوند، بازار باید موظف به دریافت مالیات بر ارزش‌افزوده NFT باشد.
	سوئد (۲۰۲۳)	ارزهای دیجیتال ذخیره‌شده و منتقل‌شده با استفاده از کیف پول دیجیتال از مالیات بر ارزش‌افزوده معاف هستند، اگر تراکنش با ارزهای دیجیتال معادل روش‌های پرداخت قانونی باشد.
	فرانسه (۲۰۲۳)	سازمان مالیاتی فرانسه اخیراً دستورالعملی را صادر کرده است که رفتار مالیات بر ارزش‌افزوده قابل‌اعمال برای عرضه عمومی ارز دیجیتال را روشن می‌کند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

منطقه	کشور	قانون
	یونان (۲۰۲۳)	فروش ارزهای دیجیتال مشمول مالیات بر ارزش‌افزوده با نرخ استاندارد ۲۴ درصد است.
	ایرلندی (۲۰۲۲)	در ۲۷ آوریل ۲۰۲۲، کمیسیون‌های درآمد ایرلندی دستورالعمل‌های خود را درباره مالیات تراکنش‌های دارایی‌های رمزنگاری‌شده به‌روزرسانی کردند، که شامل مالیات بر ارزش‌افزوده خدمات مالی مربوط به مبادله ارز دیجیتال و عرضه کالا یا خدمات در مبادله ارز دیجیتال می‌شود.
	دانمارک (۲۰۲۳)	رفتار مالیات بر ارزش‌افزوده قابل‌اعمال برای تراکنش‌های توکن غیرقابل تعویض (NFT) مربوط به هنر دیجیتال را مشخص می‌کند. در این شرایط، یک مالیات‌دهنده تصاویر هنر رمزنگاری را به‌عنوان NFT در پلتفرم‌های دیجیتال به فروش گذاشته و در ازای آن ارز دیجیتال دریافت می‌کند. شورای مالیاتی تأیید کرد که مؤدی طبق قانون مالیات بر ارزش‌افزوده به‌عنوان یک فرد مشمول مالیات واجد شرایط است. بااین‌حال، این قانون فعالیت‌های هنری را از مالیات معاف می‌کند. درنتیجه، فروش برنامه‌ریزی‌شده و اجاره هنرهای رمزنگاری‌شده توسط فرد در پلتفرم‌های معاملاتی از مالیات بر ارزش‌افزوده معاف شد.
	اسلواکی (۲۰۲۳)	عرضه کالاها یا خدماتی که با ارزهای رمزنگاری‌شده جبران می‌شوند، مانند هر عرضه دیگری مطابق با رویه اتحادیه اروپا رفتار می‌شود. این دستورالعمل همچنین تصریح می‌کند که مبادله ارزهای دیجیتال و خدمات کیف پول دیجیتال باید از مالیات بر ارزش‌افزوده معاف باشد.
کشورهای آسیایی	استرالیا (۲۰۲۲)	در حال حاضر قانون GST در مورد ارزهای دیجیتال اعمال می‌شود.
	اندونزی (۲۰۲۲)	ارائه‌دهندگان تجارت الکترونیکی که تراکنش‌های معاملاتی دارایی‌های رمزنگاری را تسهیل می‌کنند (اپراتورهای بازرگانی الکترونیک، ازجمله معامله‌گران فیزیکی دارایی‌های رمزنگاری و ارائه‌دهندگان خدمات کیف پول الکترونیکی دارایی‌های رمزنگاری)، به‌عنوان جمع کننده مالیات بر ارزش‌افزوده از فروشنده به خریدار تعیین خواهند شد.
	روسیه (۲۰۲۲)	تراکنش‌های استخراج ارز دیجیتال مشمول مالیات بر ارزش‌افزوده با نرخ عمومی ۲۰ درصد هستند.
	تایلند (۲۰۲۳)	معافیت‌های مالیات بر درآمد شرکت و مالیات بر ارزش‌افزوده را برای انتقال توکن‌های سرمایه‌گذاری دیجیتال از ۱۶ اوت ۲۰۲۳ اعمال می‌کند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

منطقه	کشور	قانون
کشورهای آفریقایی	کنیا (۲۰۲۳)	تسهیل پرداخت‌های آنلاین یا مبادله دارایی‌های دیجیتال به‌استثنای خدمات معاف در قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، مشمول قانون مالیاتی است.
کشورهای آمریکایی	کلمبیا (۲۰۲۳)	ارزهای دیجیتال و توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT) به‌عنوان نامشهود طبقه‌بندی می‌شوند و ارزش آن‌ها را می‌توان در محاسبات مالیاتی لحاظ کرد. درحالی‌که فروش دارایی‌های رمزنگاری مشمول مالیات بر ارزش‌افزوده نمی‌شود، مگر اینکه دارایی مربوط به دارایی صنعتی باشد، خدمات مربوط به دارایی‌های رمزنگاری، مانند خدمات واسطه‌گری یا استخراج رمزنگاری، درواقع مشمول مالیات بر ارزش‌افزوده هستند.
	شیلی (۲۰۲۳)	تراکنش‌های ارز دیجیتال از مالیات بر ارزش‌افزوده معاف هستند زیرا نامشهود هستند. کمیسیون‌های واسطه‌هایی که عملیات ارز دیجیتال را از طرف اشخاص ثالث انجام می‌دهند مشمول مالیات بر ارزش‌افزوده هستند و بسته به اینکه خریدار مصرف‌کننده نهایی یا مالیات‌دهنده باشد، فاکتورها باید صادر شود.
	آرژانتین (۲۰۲۱)	مالیات تراکنش‌های مالی ۰/۶ درصدی را برای تراکنش‌های مربوط به ارزهای مجازی اعمال می‌کند.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با وجود برخی پژوهش‌های کلی در حوزه مالیات اقتصاد دیجیتال، تعداد محدودی از مطالعات به بررسی اختصاصی چالش‌های مالیاتی مرتبط با پول الکترونیک و تجارت الکترونیک در ایران پرداخته‌اند. این مقاله با رویکردی نو، چالش‌های اجرایی، قانونی و زیرساختی مرتبط با اخذ مالیات از فعالیت‌های رمز ارزی در کشور را شناسایی و تحلیل می‌کند. از دیگر نوآوری‌های مقاله حاضر نسبت به سایر مطالعات، داشتن نگاهی آینده‌نگر به این موضوع است، علاوه بر مسائل جاری، به چالش‌های پیش‌بینی‌شده ناشی از گسترش بیشتر رمز ارزها در اقتصاد ایران پرداخته و بر لزوم تدوین سیاست‌های پیشگیرانه تأکید کرده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر ازنظر هدف کاربردی است. همچنین ازلحاظ جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها پژوهشی تحلیلی- توصیفی است. تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به‌صورت کیفی انجام می‌شود. مراحل انجام پژوهش در شکل نشان داده شده است:



شکل ۱. مراحل انجام تحقیق

در مرحله اول جهت شناسایی چالش‌ها از روش کیفی فراترکیب استفاده می‌شود. فراترکیب، مشابه فراتحلیل، برای یکپارچه‌سازی چندین مطالعه به‌منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری صورت می‌گیرد. در مقایسه با رویکرد فراتحلیل کمی که بر داده‌های کمی ادبیات موضوع و رویکردهای آماری تکیه دارد، فراترکیب متمرکز بر مطالعات کیفی است. رویکرد مورداستفاده

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

جهت انجام فراترکیب روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو[1] (۲۰۰۳) است که در مراحل آن در شکل (۱) ترسیم شده است.

در گام دوم مصاحبه با خبرگان مالیاتی انجام شد. انتخاب خبرگان بر اساس روش نمونه گیری هدفمند بوده و تا رسیدن به حد اشباع ادامه یافت. در تعداد ۱۶ نفر اشباع حاصل شد. متن مصاحبه با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌گیرد. در این پژوهش از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک[2] جهت تحلیل مضمون مصاحبه‌ها استفاده شده است (سیف‌اللهی و اکبری آرباطان، ۱۴۰۲).

از معیارهای ارزیابی لینکن و گوبا[3] جهت بررسی صحت و استحکام، استفاده شد. بر اساس این معیار، استحکام در مطالعات کیفی با چهار شاخص قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، تأییدپذیری و قابلیت اعتماد مشخص می‌شود. قابلیت اعتبار وفاداری محقق نسبت به تجربیات مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد. قابلیت انتقال به ظرفیت انتقال یافته‌های تحقیق به مجموعه‌های دیگر اشاره دارد. تأییدپذیری بر بی‌طرفی و پیشگیری از نفوذ تعصب شخصی محقق تأکید داشته و قابلیت اعتماد زمانی ایجاد می‌شود که یک محقق دیگر بتواند با دیدگاه محقق اولیه، نتایج مشابهی به دست آورد. به‌منظور افزایش اعتبار و مقبولیت داده‌ها از تحلیل هم‌زمان داده‌ها، انتخاب مطلعین اصلی و تعیین مشارکت‌کنندگان بر اساس گروه‌های متنوع، استفاده از تلفیق زمانی، رسیدگی و مشاهده مداوم، توصیف دقیق و عمیق و بازنگری توسط ناظرین خارجی استفاده شد (Ghayoom Zadeh et al, 2017; Hooman HA, 2006).

در ادامه به منظور اولویت‌بندی چالش‌های مالیاتی مرتبط با رمز ارزها، چالش‌های شناسایی شده با استفاده از ماتریس اولویت بندی و براساس معیارهایی فوریت و اهمیت (میزان تأثیر چالش

1. Sandelowski & Barros
2. Braun & Clarke
3. Lincoln & Guba

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

بر کارایی و شفافیت نظام مالیاتی (شدت اثر)، دشواری حل چالش و میزان منابع لازم (پیچیدگی)، دامنه تأثیر (تعداد افراد، سازمان‌ها یا بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر)، ریسک قانونی اجتماعی و پتانسیل حل پذیری) اولویت بندی شدند. ماتریس اولویت‌بندی ابزاری بصری و کاربردی است که برای مقایسه و مرتب‌سازی چالش‌ها به کار می‌رود. این ابزار به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا منابع محدود را به مهم‌ترین و فوری‌ترین موضوعات اختصاص دهند.

۴. تجزیه‌وتحلیل داده‌های تحقیق

پس از تحلیل منابع کتابخانه‌ای و متون مصاحبه، چالش‌های مالیات‌ستانی ناشی از مسائل نوظهور در اقتصاد دیجیتال در ۴ دسته اصلی شامل چالش‌های مربوط به ماهیت نوظهور اقتصاد دیجیتال، چالش‌های مربوط به کلان داده‌ها، چالش‌های مدل‌های تجاری جدید مخل مالیات و در نهایت چالش‌های مربوط به ارز دیجیتال طبقه‌بندی و بررسی شده است.

۴-۱. چالش‌های مربوط به ماهیت نوظهور اقتصاد دیجیتال

چالش تعریف اقتصاد دیجیتال

اقتصاد دیجیتال نوع خاصی از اقتصاد است که متفاوت و مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات است. ویژگی خاص اقتصاد دیجیتال این است که غیرمتمرکز است، یعنی توسط هیچ نهاد یا سازمانی کنترل نمی‌شود. به همین دلیل، تغییر سیستم وصول مالیات برای اقتصاد دیجیتال ضروری است (Bekhradi Nasab et al, 2022, p.30). بااین‌حال به دلیل فناوری‌های همیشه در حال تغییر بخش ICT و دامنه گسترده اقتصاد دیجیتال در کل اقتصاد، تعریف آنچه اقتصاد دیجیتال را تشکیل می‌دهد، مسئله‌ساز شده است. دیگر نمی‌توان اقتصاد دیجیتال را به‌عنوان بخشی جداگانه یا زیرمجموعه‌ای از اقتصاد اصلی توصیف کرد (Boccia & Leonardi, 2016). برای وضع مالیات بر درآمد شرکت یا مالیات بر ارزش‌افزوده از یک معامله، ابتدا باید ثابت شود که کالاها یا خدمات ارائه‌شده در حوزه قانون مربوطه قرار دارند. ازاین‌رو بیان تعاریف اساسی در این زمینه بسیار مهم است (Cuenca, 2021, p.24; Mpofu, 2022, p.65).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

عدم وجود تعریف مشخص و دامنه در حال تغییر اقتصاد دیجیتال، عدم قطعیت‌هایی را در زمینه تعاریف مربوط به اصطلاحات اساسی مانند خدمات الکترونیکی، بازار دیجیتال، فعالیت‌های تجارت الکترونیک، خدمات دیجیتال و عرضه خدمات دیجیتال، محل عرضه و غیره نشان می‌دهد (Mpofu, 2022, p.231).

تحرک[1] کالاها و خدمات در اقتصاد دیجیتال

اقتصاد دیجیتال سطح تحرک بی‌سابقه‌ای را فراهم می‌کند. دیجیتالی شدن، دارایی‌های نامشهود را از تولیدات فیزیکی بااهمیت‌تر کرده است. یک محصول دیجیتال پس از تهیه طرح اولیه، تقریباً بدون هیچ هزینه‌ای قابل تکثیر است، مکان توسعه این طرح جایی است که غالباً ارزش در آن ایجاد می‌شود. دیجیتال‌سازی تحرک بین محصولات را افزایش داده است. مصرف‌کنندگان به‌جای خرید کامل، به‌طور فزاینده‌ای قادر به دسترسی و استفاده از خدمات برای مدت محدود هستند. این تار شدن تمایز بین تولیدکننده و مصرف‌کننده (پروسیومر)[2] می‌تواند مقامات مالیاتی را با چالش مواجه کند، زیرا شناسایی تولیدکننده مشکل‌تر می‌شود (Boccia & Leonardi, 2016).

امکان تجارت بدون حضور فیزیکی به لطف پیشرفت‌های فناوری

تکامل مدل‌های کسب‌وکار به‌طورکلی و رشد اقتصاد دیجیتال به‌طور خاص، باعث شده که شرکت‌های غیر مقیم امروز در یک حوزه قضایی بازار به روشی کاملاً متفاوت از زمانی که قوانین بین‌المللی مالیات طراحی شده‌اند، فعالیت کنند. در این فضا محصولات و خدمات بدون عبور

---

1. Mobility

۲. «Prosumer» ترکیبی تولید کننده (produces) و مصرف کننده (Consumer) است و به فردی اطلاق می‌شود که هم در تولید نقش دارد و هم در مصرف تاثیرگذار است. برای نمونه می‌توان به کاربران شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد که علاوه بر تولید محتوا در این شبکه‌ها، خود نیز مصرف‌کننده هستند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

فیزیکی از مرزهای بین‌المللی، بارگذاری، دانلود و استفاده می‌شوند و سودهای قابل‌توجهی اغلب از منابع داخل کشورها بدون ایجاد حضور فیزیکی در آن کشورها ایجاد می‌شود. این محیط آنلاین چالش‌های مالیاتی پیچیده و منحصربه‌فردی را ارائه می‌دهد (AICPA, 2018). زیرا چارچوب مالیاتی بین‌المللی کنونی در اصل برای اقتصاد سنتی طراحی‌شده است که در آن مشاغل دارای حضور فیزیکی یا مقر دائمی هستند. بااین‌حال، با توجه به فقدان حضور فیزیکی مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال و محدودیت‌های مفهوم استقرار دائمی سنتی به‌عنوان یک قاعده ارتباطی، ثابت شد که سیستم‌های مالیاتی قادر به تسخیر اقتصاد دیجیتال تحت هنجارهای مالیاتی موجود نیستند (Lucas-Mas & Junquera-Varela, 2021).

ناملموس بودن کالاها، خدمات و تراکنش‌های دیجیتال و فرار از مالیات بر واردات

یکی دیگر از ویژگی‌های خاص اقتصاد دیجیتال این است که برخلاف اقتصاد سنتی برخی از کالاها و خدمات مبادله شده شکل فیزیکی نداشته و قابل‌مشاهده نیست. ازآنجاکه تراکنش‌های دیجیتال جهانی شامل کالاها و خدمات دیجیتال و همچنین دارایی‌های نامشهود تا حدودی با ماهیت نامشهود و سهولت عبور از مرزهای ملی مشخص می‌شوند، قابل رصد نبوده و تعیین هزینه و سود مربوط به آن دشوار است. بنابراین نمی‌توان با نظام مالیاتی سنتی برای آن‌ها مالیات وضع کرد (محمود زاده و حسن‌زاده، ۱۳۸۵). افزایش حجم این نوع کالاها موجب افزایش حجم مبادلات غیرملموس شده و امکان فرار از پرداخت مالیات بر واردات نیز افزایش می‌یابد که این امر احتمال کاهش درآمدهای مالیات بر واردات را به همراه دارد (Mpofu, 2022, p. 65).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

وابستگی به مالکیت معنوی و دارایی‌های نامشهود

استفاده روزافزون از اینترنت باعث ظهور دارایی‌های ویژه‌ای نظیر وب‌سایت‌ها، IP یا LRUها شده است (محمودزاده و حسن‌زاده، ۱۳۸۵، ص۸۹). اتکا به دارایی‌های نامشهود، همراه با صنایعی که متکی بر مالکیت معنوی هستند، ترکیبی از افراد، کارکردها، امور مالی، دارایی‌ها و ریسک را تشکیل می‌دهد که باید تخصیص صحیح پاداش را تعیین کند (KPMG, 2024). این مسائل مالیات بر کالاها و خدمات نامشهود را دشوار کرده است. از سوی دیگر دارایی‌ها نامشهود می‌تواند در بحث مالیات بر ثروت نیز موردتوجه قرار گیرد. در حال حاضر مالیات بر دارایی‌های نامشهود (یعنی جریان دیجیتال و فرامرزی کالاها و خدمات) یک چالش بزرگ برای سیاست‌گذاران و مدیران مالیاتی است.

اثرات شبکه

همه بازیکنانِ بزرگِ دیجیتال، پلتفرم‌های دیجیتالی (به‌عنوان‌مثال بازارهای آنلاین) را ارائه می‌دهند که در آن دو طرف بازار می‌توانند با یکدیگر دیدار کنند و آن‌ها از هر دو یا (معمولاً) یک گروه از کاربران هزینه می‌گیرند (OECD, 2018; Boccia & Leonardi, 2016). در این مدل‌های تجاری که مشتریان فراتر از نقطه فروش با ارائه‌دهندگان خدمات در ارتباط مداوم هستند، نگرانی‌هایی در زمینه مالیات‌ستانی ایجاد می‌شود. این تعامل مداوم با مشتریان اثرات شبکه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند ارزش تجارت خاص را برای سایر مشتریان بالقوه افزایش دهد. اما تعیین میزان ارزش و نحوه مالیات‌ستانی از آن دشوار است (OECD, 2014).

شناسایی و طبقه‌بندی نوع درآمد و سود

محصولات و خدمات می‌توانند از طریق فناوری دیجیتال به روش‌های جدیدی به مشتریان ارائه شوند. اقتصاد دیجیتال از طریق روش‌های جدید امکان کسب درآمد را فراهم کرده است، و این امر سؤالاتی را در رابطه با منطق طبقه‌بندی‌های موجود در مورد انواع درآمد ایجاد می‌کند. طبق

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

اکثر معاهدات مالیاتی، سود مشاغل در کشور فقط در صورتی قابل مالیات‌ستانی است که به یک PE واقع در آن تعلق گیرد. در مقابل، برخی از انواع دیگر درآمد مانند حق امتیاز، بسته به شرایط هر پیمان قابل‌اجرا، ممکن است در کشور پرداخت‌کننده مشمول مالیات تکلیفی شود. بنابراین این‌که آیا درآمد یک معامله به‌عنوان سود تجاری شناخته می‌شود یا نوع دیگری از درآمد، می‌تواند به رفتار متفاوتی برای اهداف پیمان مالیاتی منجر شود(Lucas-Mas & Junquera-Varela, 2021).

۲-۴. کلان داده‌ها و چالش تعیین ارزش در اقتصاد دیجیتال

اقتصاد دیجیتال با اتکای بی‌سابقه به دارایی‌های نامشهود، استفاده گسترده از داده‌ها (به‌ویژه داده‌های شخصی) و پذیرش فراگیر مدل‌های تجاری چندوجهی (OECD, 2014) به تصویر کشیده می‌شود. رفتار مصرف‌کننده – کلیک‌های وب، خریدهای آنلاین، ورودی‌های موتور جستجو، بررسی محصولات مشابه و غیره - به انباشت مقادیر زیادی از داده‌ها، که به آن‌ها داده‌های بزرگ یا کلان داده گفته می‌شود، کمک کرده است، که از دیگر امکانات موجود در یک اقتصاد دیجیتالی رو به رشد است (Boccia & Leonardi, 2016). اگرچه داده‌ها ممکن است سود زیادی ایجاد کنند، ویژگی شبکه داده‌ها، پیش‌بینی ارزش دقیق آن را غیرممکن می‌کند (Sun, 2019, p.168). اگر یک کاربر یک آموزش مشترک را در یک پلتفرم دیجیتال به‌صورت رایگان مرور کند و سپس مهارت کسب‌شده را برای کسب درآمد در زندگی واقعی به کار گیرد، ردیابی درآمد مربوط به ارزش خلق‌شده توسط پلتفرم دیجیتال دشوار است. در چنین مواردی، تعیین کمیت ارزش ایجادشده توسط ابزار دیجیتال و شناسایی ارزش نهایی خدمات ارائه‌شده توسط شرکت‌های دیجیتال دشوار است و موانعی برای شناسایی اهداف مالیاتی ایجاد می‌کند (Li & Liu, 2022).

مسئله ارزش‌گذاری مبادلات مربوط به محتوای دیجیتال و داده‌های کاربران یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی مقامات مالیاتی است (Lucas-Mas & Junquera-Varela, 2021). به‌طورکلی مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه داده‌ها و تعیین ارزش در اقتصاد دیجیتال عبارت‌اند از:

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

۱) انتساب ارزش به داده‌های قابل‌فروش: اگرچه داده‌های خریداری‌شده از مشاغل دیگر، به‌عنوان دارایی در دست خریدار تلقی می‌شود (و فروش بعدی آن عواقب مالیاتی ایجاد می‌کند)، فروش کامل داده‌ها تنها یکی از راه‌های جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها است. ممکن است ارزش داده‌ها در ارزش خود مشاغل منعکس شود و هنگام فروش کسب‌وکار، از آن‌ها پول گرفته شود. حتی در جایی که خود داده‌ها فروخته می‌شوند، بسته به ظرفیت خریدار در تجزیه‌وتحلیل و استفاده از آن، ممکن است ارزش آن داده بسیار متفاوت باشد (OECD, 2020). ازاین‌رو تعیین ارزش داده‌ها پس از تجزیه‌وتحلیل و پردازش توسط متخصصان برای تعیین ارزش‌افزوده داده‌های اصلی دشوار است، این مسئله تعیین قیمت و هزینه را دشوار کرده و منجر به مواجه‌شدن اقتصاد دیجیتال با چالش‌هایی در مالیات می‌شود (Zhu, 2021, p.4).

۲) انتساب ارزش به داده‌های مربوط به اطلاعات شخصی کاربران: کسب درآمد از داده‌های شخصی نقش کلیدی در بخش دیجیتال دارد. درعین‌حال، محاسبه ارزش ایجادشده در بخش دیجیتال یک چالش است. زیرا مصرف‌کنندگان خدمات را در ازای ارائه داده‌ها به‌صورت رایگان دریافت می‌کنند. ازآنجایی‌که هیچ واسطه‌ای در کار نیست، تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا یک شرکت در حین انجام تجارت، پرداخت‌هایی دریافت کرده است یا خیر، دشوار است (Hadzhieva, 2016; Tsindeliani et al, 2019, p.134).

۳) ارزش‌گذاری داده به‌عنوان دارایی: مسئله ارزش‌گذاری داده‌ها به‌عنوان یک دارایی با سؤالات قانونی موجود در مورد مالکیت داده‌های شخصی پیچیده‌تر می‌شود. بسیاری از حوزه‌های قضایی قانون محافظت از حریم خصوصی را برای اطمینان از محافظت دقیق از اطلاعات شخصی مصرف‌کنندگان تصویب کرده‌اند (OECD, 2018). تفاوت دیدگاه‌ها در زمینه مالکیت این داده‌ها بر قوانین مربوط به مالیات بر ارث و دارایی نیز تأثیرگذار است.

۴) ارزش‌گذاری داده و تجارت فرامرزی: گسترش نقش داده‌ها سؤالاتی را در مورد مناسب بودن قوانین فعلی مالیاتی ایجاد می‌کند. آیا سودهای منتسب به جمع‌آوری از راه دور داده‌ها توسط

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

یک شرکت باید در کشوری که داده‌ها از آن جمع می‌شوند مشمول مالیات باشد؟ آیا داده‌ها برای اهداف مالیاتی به‌طور مناسب توصیف و ارزش‌گذاری می‌شود؟ این واقعیت که ارزش داده می‌تواند بر نتایج مالیات تأثیر بگذارد، فشار بر ارزیابی داده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، این واقعیت که ارزش داده‌ها اگر قابل انتساب به یک مقر دائمی باشد یا توسط یک شرکت تابعه محلی نگهداری شود و به یک شرکت خارجی فروخته شود، یا به‌طور مستقیم توسط یک شرکت خارجی بدون استقرار دائمی جمع‌آوری شود، می‌تواند بر نتایج مالیات تأثیر بگذارد و مسائل مربوط به مکان جمع‌آوری داده‌ها را مطرح کند (OECD, 2018; OECD, 2020).

۳-۴. مدل‌های تجاری دیجیتال مخل مالیات

بیشتر مدل‌های سنتی کسب‌وکار، در حال دیجیتالی شدن هستند و مدل‌های جدیدی نیز در اقتصاد دیجیتال به وجود آمده است. با توسعه روزافزون مدل‌های کسب‌وکار چندوجهی در اقتصاد دیجیتال چالش‌های پیش روی سیاست‌گذاران افزایش یافته است. به‌طورکلی، هر تراکنش اقتصادی و به‌طور گسترده‌تر، هر مدل کسب‌وکاری که شامل یک یا چند عنصر دیجیتال (ارتباطات دیجیتال، محتوای دیجیتال، اتوماسیون دیجیتال، توزیع دیجیتال، پرداخت دیجیتال) باشد، به‌عنوان دیجیتال طبقه‌بندی می‌شود و بخشی از اقتصاد دیجیتال محسوب می‌شود (Lucas-Mas & Junquera-Varela, 2021). برخی از عناصر دیجیتال ممکن است در روش‌های سنتی شناسایی و دریافت مالیات بر تراکنش‌ها اختلال ایجاد کنند که به آن‌ها عناصر مخل مالیاتی گفته می‌شود.

تمایز اصلی بین مدل‌های تجاری دیجیتال مخل مالیات و سایر مدل‌ها، در نقش عامل دیجیتالی در توسعه کسب‌وکار است. در برخی از مدل‌های تجاری، از فناوری دیجیتال برای تقویت عملکردهای تجاری موجود (ارتباطات، انتقال پول) که قبلاً از طریق کانال‌های سنتی (برای ارتباط، تلفن، رادیو، تلویزیون، پست پستی، روزنامه‌ها؛ برای انتقال پول، حواله، چک‌های مسافرتی، کارت‌های اعتباری بانکی و غیر بانکی با نوار مغناطیسی، چک‌های بانکی) انجام می‌شد، استفاده می‌شود. اما در مدل‌های مخل مالیات، نقش اصلی فناوری دیجیتال، در ظهور واقعیت‌های مخل

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

مالیاتی (محتوای نامشهود، پلتفرم‌های آنلاین، تحویل آنلاین، تأمین هزینه‌های حاشیه‌ای صفر) است که قبلاً وجود نداشت و ممکن است هنجارهای مالیاتی و اصول اقتصادی را غیرقابل اجرا کند.

پرداخت دیجیتال

استفاده از روش‌های پرداخت دیجیتال مبتنی بر بخش مالی (سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه، مانند پرداخت‌های کارت اعتباری و نقدی، نقل و انتقالات خودکار، کارت‌های با ارزش ذخیره‌شده، پرداخت‌های آنلاین صورت‌حساب) اختلال زیادی در سیاست‌های مالیاتی و تجارت سنتی ایجاد نمی‌کند. درواقع، پرداخت‌های انتقال پول مبتنی بر بخش مالی مکانیسم‌های کنترل و نظارت بیشتری را برای مقامات مالیاتی فراهم می‌کند. بنابراین، روش‌های پرداخت دیجیتال مبتنی بر انتقال وجه الکترونیکی، عنصر دیجیتالی مخل مالیاتی محسوب نمی‌شوند.

ارتباطات دیجیتال

ارتباط دیجیتال نیز به دلیل اینکه تفاوت قابل‌توجهی با کانال‌های مخابراتی سنتی مانند تلفن، پست، رادیو، روزنامه‌ها یا تلویزیون ندارد، مخل مالیات نیست. با فرض نبودن سایر عناصر دیجیتال، استفاده از اینترنت صرفاً برای برقراری ارتباط با مشتریان برای ترتیب دادن یک تراکنش فیزیکی، چالش‌های مالیاتی عمده‌ای ایجاد نمی‌کند: ماهیت محسوس محتوای معامله و کانال توزیع، کنترل مالیاتی مؤثری را توسط مقامات مالیاتی ممکن می‌سازد. در مقابل، همان‌طور که در بخش‌های قبل در زمینه اثرات شبکه و اهمیت مشارکت کاربران گفته شد، استفاده از اینترنت برای جذب کاربران و تأثیرگذاری بر مشتریان برخی از نگرانی‌های مالیاتی را ایجاد می‌کند، زیرا اینترنت به‌عنوان یک کانال دیجیتال برای ارائه محتوای تبلیغاتی آنلاین عمل می‌کند.

اتوماسیون دیجیتال

اتوماسیون دیجیتال فرآیندهای تجاری، مدل‌های کسب‌وکار دیجیتالی را قادر می‌سازد تا به مقیاس مناسب و با هزینه نهایی صفر برسند. استفاده از نوآوری دیجیتال برای ساده کردن فرآیندهای

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

تجاری و حفظ مزیت رقابتی، جایگزین نیروی کار فیزیکی (کارگران انسانی) شده است. اتوماسیون دیجیتال در عرضه محتوای دیجیتال (پلتفرم‌های پخش جریانی رسانه) مداخله می‌کند و فقط در مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال مخل مالیات وجود دارد. علاوه بر این، همیشه به اینترنت به‌عنوان یک کانال ارتباطی نیاز دارد. بنابراین، اتوماسیون دیجیتال به‌عنوان یک عنصر دیجیتال مخرب مالیاتی در نظر گرفته می‌شود.

محتوای دیجیتال و توزیع دیجیتال

محتوای دیجیتال و توزیع دیجیتال به‌طور مشترک تجزیه‌وتحلیل می‌شوند، زیرا آن‌ها به یکدیگر وابسته هستند: فقط محتوای دیجیتال می‌تواند به‌صورت دیجیتالی توزیع شود، و محتوای دیجیتال فقط می‌تواند به‌صورت دیجیتالی توزیع شود. هر دو عنصر با ایجاد امکان انجام این کار بدون حضور فیزیکی در حوزه قضایی، عرضه کالا و خدمات را به‌شدت متحول کرده‌اند. این تغییر یک چالش مالیاتی بسیار جدی ایجاد می‌کند، زیرا مقامات مالیاتی ممکن است حتی از انجام چنین تراکنش‌های دیجیتالی در قلمرو خودآگاه نباشند. به‌عنوان‌مثال، نیازی به ترخیص گمرک، مواد خام و نیروی کار و هیچ کارخانه یا انباری نیست، و هیچ موجودی نگهداری نمی‌شود، زیرا محتوای آنلاین به‌جای فیزیکی (اتم) دیجیتال (بیت) است.

به همین ترتیب، توزیع دیجیتال شامل تحویل آنلاین محتوای رسانه دیجیتال است، چه دانلود شده (به کاربران اجازه می‌دهد آن را به‌طور دائم ذخیره کنند) یا به‌صورت جریانی (به اشتراک‌گذاری محتوا به درخواست کاربر یا بنا به تقاضا)، که بر هرگونه موانع فیزیکی برای تجارت غلبه می‌کند. بنابراین، هم محتوای دیجیتال و هم توزیع دیجیتال، همراه با اتوماسیون دیجیتال، به‌عنوان عناصر دیجیتال مخرب مالیاتی در نظر گرفته می‌شوند که تنها در مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال مخل مالیاتی وجود دارند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

۴-۴. چالش‌های مربوط به رمز ارزها

یکی دیگر از چالش‌های مالیاتی ناشی از توسعه اقتصاد دیجیتال استفاده از ابزارهای پرداخت جدید مانند بیت کوین است (Tsindeliani et al, 2019, p.134). پرداخت‌های الکترونیکی ویژگی‌های خاصی دارند که نظام مالیاتی متناسبی را می‌طلبند. در این سیستم شکل‌های جدیدی از پول ایجاد می‌شود که در آن ارزش، حالت دیجیتالی دارد. شکل دیجیتالی پول یا رمز ارز این امکان را می‌دهد که پول به‌سرعت و با کمترین هزینه در گستره جهانی جابه‌جا شود (محمودزاده و حسن‌زاده، ۱۳۸۵: ص۱۰۲).

پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آینده استفاده از این نوع ارز توسعه یابد و این امر چالش‌های جدی در مسیر مالیات‌ستانی به وجود می‌آورد. ازاین‌رو تمرکز اصلی مقاله حاضر بر چالش‌های قانونی و اجرایی موجود در این حوزه در کشور است. بررسی انجام شده نشان می‌دهد در حال حاضر نیز چالش‌های این مسئله وجود دارد و درصورتی‌که به آن رسیدگی نشود در آینده نزدیک ضرر مالیاتی ناشی از عدم مالیات‌ستانی از این بخش قابل‌توجه خواهد بود.

به‌طورکلی فعالین در حوزه معاملات با ارز دیجیتال به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند. دسته اول بحث استخراج‌کنندگان ارزهای دیجیتال است کسانی که به‌صورت قانونی با مجوز از وزارت صمت یا وزارت نیرو در حال استخراج ارز دیجیتال هستند. در حال حاضر سازمان امور مالیاتی بر اساس اطلاعات دریافتی در زمینه میزان مصرف برق، اطلاعات مجوز و اظهارنامه مالیاتی این گروه، نسبت به دریافت مالیات از آن‌ها اقدام می‌کند. در صورتی عدم ارائه اظهارنامه نیز با توجه به اطلاعات در دسترس اظهارنامه برآوردی صادر می‌شود.

بخش دوم مربوط به صرافی‌ها و کسانی است که مبادلات ارز دیجیتال انجام می‌دهند. به گفته یکی از کارشناسان امور مالیاتی در حال حاضر داده‌های مربوط به فعالیت این گروه در اختیار سازمان قرار نمی‌گیرد. برخی از این صرافی‌ها دارای مجوز بوده و اظهارنامه مالیاتی ارائه می‌کنند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

اما در این بخش صرافی‌های بدون مجوز نیز فعال هستند و این امر می‌تواند باعث نقض اصول برابری و عدالت مالیاتی بین این دو گروه شود.

دسته سوم مصرف‌کنندگان یا افراد خردی هستند که خریدوفروش ارز دیجیتال انجام می‌دهند و به‌اصطلاح n یوزرهایی هستند که در این حوزه فعالیت دارند. در حال حاضر اطلاعاتی از این گروه در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار نمی‌گیرد و بایست صرافی‌ها این اطلاعات را در اختیار سازمان قرار دهند.

ادبیات این حوزه برخی از چالش‌ها نظیر مشکلات ناشی از عدم تطابق تبادلات مالی بین‌المللی، چندوجهی بودن ارزهای مجازی و چالش تنظیم گری، مشکلات عدم ثبات مقررات در زمینه ارز مجازی و ... (رضایی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰، ص۱۰۲) را در زمینه ارز دیجیتال مطرح نموده‌اند. مصاحبه با خبرگان اجرایی نیز چالش‌هایی را نشان می‌دهد. این موارد در جدول (۲) ارائه شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

جدول ۳. نمونه کدهای استخراجی در چالش‌های اداری - اجرایی (رمز ارز)

ردیف	متن مصاحبه	کد استخراجی
۱	ما در خصوص استخراج رمز ارزها قانون داریم در مورد اینکه آیا خریدوفروش و معادلاتی که انجام می‌شود به رسمیت بشناسیم یا خیر؟ هنوز قانونی نداریم و چالش‌های مختلفی داریم اما در مورد اینکه کسانی که رمز ارز تولید می‌کنند بخشنامه و آیین‌نامه‌هایی وجود دارد اما در مورد اینکه کسانی که نسبت به خریدوفروش این ارز اقدام می‌کنند ما هنوز با چالش‌های جدی مواجه هستیم هم اطلاعاتش و هم صرافی‌هایی که این خدمات چنج این تبادل رمز ارز را می‌دهند و هم اشخاصی که در رابطه با این‌ها درآمد کسب می‌کنند هردوی این موضوع بخش‌هایی هستند که باید رویش کار شود و هنوز حتی در محدوده قانون‌گذاری هم خیلی پیشرفت نکرده‌ایم تنها بخشی که در این حوزه بخشنامه داریم و می‌توانیم در موردش صحبت کنیم استخراج رمز ارز است که شرکت‌ها و اشخاصی که در زمینه استخراج رمز ارز فعالیت دارند بر اساس دیتاهایی که دریافت می‌شود هم ظرفیت هش کردنشان و هم ظرفیت برق مصرفی و ظرفیت گاز مصرفی برای ماینرها و سیستم‌هایشان استفاده می‌کنند این‌ها قواعدی را طراحی کردیم و به‌صورت محدود پیاده‌سازی کردیم اما واقعیت این است که صرافی‌هایی که ارز دیجیتال کار می‌کنند دسترسی به دیتاهایی که در آن فضا است سخت است اما حدود ۱۳ صرافی که در این حوزه کار می‌کردند حساب‌های بانکی‌شان و تراکنش‌های ارزی‌شان البته نه ارز دیجیتال تا حدودی پیگیری شده اما در مراحل اولیه هستیم و چالش‌های زیادی با آن داریم.	نبود قوانین کافی
۲	اولین سؤال که مطرح می‌شود این است که این‌ها اصلاً جواز فعالیت در فضای مجازی دارند یا خیر؟ و اگر نیاز است آیا صادر می‌شود یا خیر؟ و اگر صادر می‌شود چه کسانی برای صدور این جواز ذینفع هستند یک شخص عادی می‌خواهد یک شغلی را شروع کند طبیعتاً به صنف مراجعه می‌کند و صنف هم استعلام می‌کند و ازآنجایی‌که تشکیل پرونده می‌دهد سازمان مالیاتی است ثانیاً اگر کسی می‌خواهد در فضای مجازی فعالیتی را شروع کند آیا سیستم	عدم شفافیت قانونی در زمینه اخذ مجوز فعالیت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

ردیف	متن مصاحبه	کد استخراجی
	حاکمیتی ما اجازه این کار را می‌دهد؟ اگر اجازه این کار را می‌دهد باید مجوزی صادر شود چه کسانی در صدور این مجوز شرکت می‌کنند و وظایف قانونی دارند اگر تلقی کنیم جواز صادر می‌شود طبیعتاً سازمان مجری کسانی هستند که باید این جواز را بدهند	
۳	ارز دیجیتالی که در ایران هست آن‌هایی که نمایندگی در ایران دارند مثل روبی تکس که بزرگ‌ترین رمز ارز ایران است ما رفتیم با خودش مصاحبه کردیم و رفتیم سر دربیاوریم که چه می‌کند این در قالب عنوان سایر فعالیت‌های مالی خودش مالیات می‌دهد مشمول مالیات می‌شود حالا ممکن است همه مالیات‌ها را نمی‌دهد ولی مالیات می‌دهد این رسمی ثبت شده کارش قانونی است حالا زیرآبی می‌رود یا نه، کار نداریم ولی کار قانونی می‌کند و مشمول مالیات است و مالیات می‌دهد اما کسانی که به‌صورت غیرمجاز این کار را می‌کنند باید شناسایی شوند که مالیات پرداخت شود	اتکا بر خود اظهاری و دشواری کشف تقلب و کتمان مالیاتی
۴	تاجایی که بنده اطلاع دارم این صرافی‌های بحث ارز دیجیتال مجوزی آن‌چنان قانون الزام نکرده که مجوزی از جایی بگیرند مثل صرافی‌های مربوط به ارزهای کشورهای مختلف نیست که از بانک مرکزی بایست مجوز داشته باشند این صرافی‌ها به‌عنوان یک سایتی با یک پشتوانه مالی این کار را انجام می‌دهند و به نظر من درآمدهای هنگفتی در این خصوص دارند و چون درآمدهایشان عمدتاً بحث ریالی نیست و در فضای مجازی مبادله می‌شود فکر می‌کنم جای کار خیلی زیادی دارد و قابلیت وصول مالیات قابل‌توجهی در این‌ها وجود دارد.	عدم وجود الزامات قانونی برای اخذ مجوز
۵	ارز دیجیتال به‌نوعی برای دارنده‌اش خیلی مخفی و خیلی محرمانه است و اگر خودش این اطلاعات را در اختیار کسی قرار ندهد کسب اطلاع برای سازمان بسیار بسیار مشکل است تا جایی که خبر دارم نه‌تنها برای ما بلکه برای	عدم وجود الزام قانونی برای ارائه اطلاعات به

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

ردیف	متن مصاحبه	کد استخراجی
	کشورهای توسعه‌یافته هم در این رابطه دچار مشکل‌اند و آن‌ها هم در گرفتن اطلاعات دچار چالش هستند و این هم از مواردی است که باید چاره‌اندیشی شود و اطلاعاتی را در این رابطه بتوانیم کسب کرده و بر پایه آن اطلاعات بتوانیم مطالبه مالیات کنیم در غیر این صورت با نبود اطلاعات اولیه این موضوع قابل انجام نیست شاید لازم باشد قانونمند وارد شویم و شاید باید فعالیت در این زمینه را جرم انگاری کنیم اگر کسی اطلاعاتش را پنهان کند و در اختیار دولت قرار ندهد که ضمانت‌های اجرایی چه باید باشد باید در این زمینه خیلی فکر و کار شود که بتوان در این زمینه مالیات بگیریم.	سازمان امور مالیاتی نبود جریمه‌های قانونی در زمینه تخلفات و پنهان‌سازی اطلاعات
۶	یک سختی‌اش این است که شما وقتی تا زمانی که پول ریال است می‌توانید پیگیری کنید یعنی زمانی که کاربر می‌رود روی کارگزاری ارز دیجیتال پول را از حساب بانکی ریال به‌حساب صرافی می‌برد، آنجا مشخص است و قابل‌ردیابی است ولی اگر پول تبدیل به ارز دیجیتال شود اگر در قالب تتر معامله شود یعنی دیگر ریال نباشد اصلاً دیگر قابلیت ردیابی ندارد. فعلاً در فضای رمز ارزها قابلیت انتقال رمز ارز به رمز ارز هنوز وجود ندارد مثلاً ما در دنیای ارزهای فیزیکی که داریم دلار با یورو یا یورو با یوهان معامله می‌شود و ارزش برابری این ارزها وجود دارد اما الان ارزش برابری در فضای مجازی تتر است اگر به‌محض اینکه فضا به آن بستر برسد که مثلاً بیت کوین را با تریون معامله کنند این دیگه واقعاً ردیابی‌اش به‌شدت سخت می‌شود.	مشکلات مربوط به ردیابی و پیگیری معاملات انجام شده با ارز دیجیتال
۷	در ارز دیجیتال هم باز هم مسئله دیتا وجود دارد یک سری صرافی‌ها هستند که وزارت صمت به این‌ها مجوز داده است ما دیتای این‌ها را گرفته‌ایم و کارهایشان را انجام داده‌ایم یک سری دیتا اداره برق به دستش رسید که مثلاً این کنتور نشان می‌دهد مشکوک است به‌جای اینکه ۱۰۰۰ واحد کار کند صد هزار واحد کار کرده دیتا به ما داده‌اند و ما سراغش رفته‌ایم هر جا دیتا به دست سازمان برسد می‌تواند ورود پیدا کند	نیاز به اطلاعات و داده‌های کافی و عدم دسترسی مناسب به آن

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

ردیف	متن مصاحبه	کد استخراجی
۸	... مالیات بر ثروت است که دارایی‌های دیجیتال را شامل می‌شود وقتی شما در مورد رمز ارز صحبت می‌کنید بحث تبادلش یک بحث است و خود صرف ارزش این و مالیت این یک بحث دیگر است در این زمینه ما مشکل قانون داریم ۱- این‌که اصلاً این را به‌عنوان یک دارایی در فضای قانونی حقوقی کشور می‌شناسند یا خیر این یک بحث است که هنوز بلاتکلیف است که رمز ارز به‌عنوان دارایی شناسایی شده است یا خیر ۲- این که اگر این دارایی هست مشمول مالیات هست یا خیر در CGT این را می‌بینیم یا نمی‌بینیم این‌ها الان مشکل مالیات در فضای دیجیتال است اگر رمز دارایی را شما به‌عنوان یک دارایی بشناسید آن موقع می‌توانید هم از آن مالیات بگیرید و هم درآمدش را شناسایی کنید. ....آیا به‌عنوان دارایی شناسایی می‌شود و آیا دولت امکان اینکه جلوی انتقال این بعد از فوت مرحوم را بگیرد دارد؟	مشکلات مربوط به مالیات بر ثروت در زمینه دارایی‌های ارزی دیجیتال
۹	یعنی کسی که پولش را تبدیل به تتر می‌کند شما آنجا بگویید فاکتور این‌قدر مالیات اضافه می‌شود کسایی که در ایران تترلند دارند مشخص‌اند شما می‌گویید در درگاهت بگذار وقتی فاکتور سازی می‌کنید ۹ درصد ارزش‌افزوده یا یک چیز دیگر که ساده‌ترین آن ۹ درصد ارزش‌افزوده است چرا شما از طریق عملکرد داخل صرافی نمی‌توانید مالیات بگیرید؟ به این دلیل که کارگزاری بورسی از معامله شما روی بورس مالیات می‌گیرد شما به صرافی ارز دیجیتال نمی‌توانید این فشار را وارد کنید چون کسی که ببیند که دارد روی آن مالیات می‌دهد اما روی کارگزاری روی خارج برایش ارزان‌تر می‌افتد به آن سمت می‌رود مثلاً صرافی تترلند کارش می‌خوابد و مردم برای تبدیل به‌جای دیگر می‌روند.	تفاوت در قوانین کشورها و احتمال خروج سرمایه از کشور

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

ردیف	متن مصاحبه	کد استخراجی
۱۰	... متأسفانه با توجه به آن‌که آن سازوکار خریدش مشخص نیست و اپلیکیشن‌هایی که ما داریم هیچ‌کدام مجاز به این کار نیستند امکان شناسایی وجود ندارد و اگر اقدامی‌شود که این خریدوفروشش مشخص شود بله مالیات درست است.	نبود زیرساخت مناسب برای شناسایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

پس از شناسایی چالش‌ها، برای اولویت‌بندی چالش‌های مالیاتی ارزهای دیجیتال با استفاده از ماتریس اولویت‌بندی، ابتدا معیارهای زیر را برای "فوریت" و "اهمیت" تعریف شد:

- فوریت (Urgency): چقدر سریع باید به این چالش پرداخته شود؟
- اهمیت (Impact): این چالش چه میزان بر کارایی سیستم مالیاتی و امنیت اقتصادی تأثیر دارد؟

بر این اساس چالش‌ها در چهار ربع (بخش) ماتریس قرار می‌گیرند:

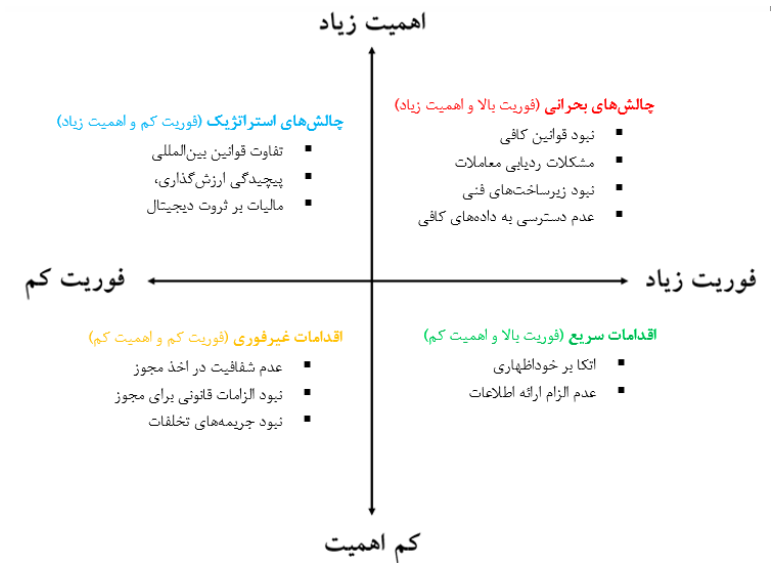

شکل ۲. ماتریس اولویت‌بندی چالش‌ها

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

اولویت اول: فوریت بالا و اهمیت زیاد (چالش‌های بحرانی و حیاتی)

این چالش‌ها باید در اولویت اول قرار گیرند، زیرا تأثیر زیادی بر سیستم مالیاتی دارند و نیازمند اقدامات فوری هستند:

- نبود قوانین کافی و ناشناس بودن معاملات: مستقیماً بر شفافیت و عدالت مالیاتی تأثیر می‌گذارد و باعث گسترش فرار مالیاتی می‌شود.
- مشکلات ردیابی و پیگیری معاملات انجام‌شده با ارز دیجیتال: نبود ابزارهای مناسب برای ردیابی، مانع از کشف تخلفات مالیاتی می‌شود.
- نبود زیرساخت‌های فنی مناسب برای شناسایی: زیرساخت‌های فنی ناکافی مانع جمع‌آوری داده‌های حیاتی و مدیریت مالیات می‌شود.
- نیاز به اطلاعات و داده‌های کافی و عدم دسترسی مناسب به آن: بدون داده‌های کافی، ارزیابی و مالیات‌ستانی دقیق امکان‌پذیر نیست.

اولویت دوم: فوریت پایین و اهمیت زیاد (استراتژیک)

این چالش‌ها برای آینده بسیار مهم هستند اما می‌توان در بازه زمانی بلندمدت به آن‌ها پرداخت:

- تفاوت در قوانین کشورها و احتمال خروج سرمایه از کشور: هماهنگ‌سازی قوانین در سطح بین‌المللی برای جلوگیری از خروج سرمایه مهم است.
- پیچیدگی ارزش‌گذاری: ارزش‌گذاری دقیق برای مالیات بر ثروت و معاملات ضروری است، اما در کوتاه‌مدت ممکن است فوریت کمتری داشته باشد.
- مشکلات مربوط به مالیات بر ثروت در زمینه دارایی‌های ارزی دیجیتال: نیازمند بررسی دقیق برای تدوین قوانین مالیات بر ثروت در بلندمدت است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

اولویت سوم: فوریت بالا و اهمیت کم (اقدامات سریع)

این چالش‌ها تأثیر زیادی ندارند اما نیازمند رسیدگی سریع هستند، زیرا ممکن است در کوتاه‌مدت مشکل‌آفرین شوند:

- اتکا بر خوداظهاری و دشواری کشف تقلب و کتمان مالیاتی: نیازمند مقررات فوری برای کاهش تخلفات مالیاتی است.
- عدم وجود الزام قانونی برای ارائه اطلاعات به سازمان امور مالیاتی: باید مقررات الزامی برای ارائه داده وضع شود تا پایه شفافیت مالیاتی تقویت شود.

اولویت چهارم: فوریت پایین و اهمیت کم (کم‌اهمیت)

این چالش‌ها در حال حاضر تأثیر زیادی ندارند و می‌توان رسیدگی به آن‌ها را به تعویق انداخت:

- عدم شفافیت قانونی در زمینه اخذ مجوز فعالیت: تأثیر مستقیم کمی بر نظام مالیاتی دارد.
- عدم وجود الزامات قانونی برای اخذ مجوز: در مراحل بعدی اولویت‌بندی می‌توان به این مسئله پرداخت.
- نبود جریمه‌های قانونی در زمینه تخلفات و پنهان‌سازی اطلاعات: تأثیر کمتر نسبت به چالش‌های دیگر، اما در بلندمدت می‌تواند بر شفافیت مالیاتی اثر بگذارد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در دهه اخیر، ظهور ارزهای دیجیتال به عنوان یک فناوری نوین مبتنی بر بلاک‌چین، تحول چشمگیری در نظام مالی و اقتصادی جهانی ایجاد کرده است. این فناوری، فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها فراهم کرده است، اما در عین حال چالش‌های متعددی نیز به همراه داشته است. یکی از این چالش‌ها، مسائل مرتبط با مالیات‌ستانی از ارزهای دیجیتال است که نظام‌های مالیاتی سنتی را با پیچیدگی‌های جدیدی مواجه کرده است. در حال حاضر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

کشورهای مختلف قوانینی را در زمینه مالیات‌ستانی از ارز دیجیتال تدوین نموده‌اند. در ایران نیز با توجه به توسعه استفاده از این نوع ارزها، قوانین مختلفی در حال تدوین است. همان‌طور که گفته شد در حوزه مالیات نیز قوانین در حوزه استخراج ارز دیجیتال تدوین و اجرا شده، بااین‌حال تدوین قوانین بیشتر و افزایش همکاری میان دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرایی جهت پرداخت به این موضوع ضروری است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های عمومی مالیات‌ستانی از اقتصاد دیجیتال و چالش‌های خاص حوزه رمز ارزها در ایران انجام شد. نتایج این بررسی به‌طور خلاصه در شکل (۳) نشان داده شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]



شکل ۳. چالش‌های مالیات‌ستانی ناشی از مسائل نوظهور در اقتصاد دیجیتال

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، ماهیت غیرمتمرکز و ناشناس ارزهای دیجیتال، انجام معاملات فرامرزی و بدون نظارت مستقیم را امکان‌پذیر می‌کند. این ویژگی‌ها باعث شده‌اند که شناسایی درآمدها، دارایی‌ها و معاملات کاربران برای مراجع مالیاتی دشوار شود. از سوی دیگر، نبود قوانین شفاف و هماهنگ در بسیاری از کشورها، منجر به ابهام در نحوه محاسبه و اعمال مالیات بر معاملات رمز ارزها شده است. علاوه بر این، نوسانات قیمتی شدید رمز ارزها، مشکلاتی را در تعیین ارزش دقیق معاملات و دارایی‌ها ایجاد کرده است. در کنار این چالش‌ها، پیشرفت تکنولوژی‌های مرتبط با بلاک‌چین، مانند صرافی‌های غیرمتمرکز و ابزارهای حریم خصوصی، ردیابی تراکنش‌ها و شناسایی متخلفان مالیاتی را دشوارتر کرده است. از سوی دیگر، نبود زیرساخت‌های فنی کافی در سازمان‌های مالیاتی و آگاهی محدود کاربران و فعالان اقتصادی از مسئولیت‌های مالیاتی خود، موجب کاهش شفافیت و افزایش تخلفات احتمالی شده است. این مسائل نه تنها به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت‌ها منجر می‌شود، بلکه می‌تواند بر نظم مالی و اقتصادی جوامع نیز تأثیر منفی بگذارد. در نتیجه، شناسایی و تحلیل دقیق چالش‌های مالیاتی مرتبط با رمز ارزها برای ارائه راهکارهای مؤثر و طراحی یک نظام مالیاتی کارآمد، امری ضروری است. پس از شناسایی چالش‌ها، نیاز به ارائه راهکارهای سیاستی جهت مواجه با این مسائل است. از اینرو در این تحقیق، اولویت‌بندی عوامل نیز انجام و با توجه به ماتریس اولویت‌بندی و دسته‌بندی چالش‌ها، پیشنهادهایی جهت اقدامات سیاستی در سه بخش کوتاه‌مدت (بحرانی)، میان‌مدت (استراتژیک)، و بلندمدت (کم‌اهمیت‌تر) ارائه شد. این پیشنهادها که بر مبنای اهمیت و فوریت چالش‌ها تدوین شده‌اند در جداول ۲، ۳ و ۴ قابل مشاهده است. این ساختار می‌تواند راهنمایی مناسب برای برنامه‌ریزی و تخصیص منابع جهت مدیریت چالش‌های مالیاتی رمز ارزها ارائه دهد. نتایج این پژوهش، به دولت‌ها کمک می‌کند تا ضمن کنترل چالش‌های کوتاه‌مدت، زمینه‌ای برای حل پایدار مشکلات مالیاتی مرتبط با رمز ارزها فراهم کنند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

جدول ۴. سیاست‌های کوتاه‌مدت (برای چالش‌های بحرانی)

سیاست	هدف	اقدامات
تدوین قوانین شفاف و الزام‌آور	کاهش ناشناس بودن معاملات و تقویت شفافیت	تدوین قوانین مالیاتی ویژه ارزهای دیجیتال برای شناسایی و مالیات‌ستانی. ایجاد الزامات قانونی برای گزارش معاملات رمز ارزها توسط صرافی‌ها و پلتفرم‌ها به سازمان امور مالیاتی. تعریف مسئولیت کیفری و مالی برای تخلفات ناشی از کتمان اطلاعات یا فرار مالیاتی.
تقویت زیرساخت‌های فنی برای ردیابی معاملات	شناسایی و ثبت دقیق تراکنش‌ها	سرمایه‌گذاری در ابزارهای تحلیلی بلاک‌چین برای ردیابی تراکنش‌ها. همکاری با شرکت‌های فناوری برای توسعه پلتفرم‌های نظارتی پیشرفته. ایجاد تیم‌های تخصصی در سازمان امور مالیاتی برای تحلیل داده‌های بلاک‌چین
الزام به ارائه داده و اطلاعات مالی	دسترسی به داده‌های کافی برای تصمیم‌گیری مالیاتی	تصویب قوانینی که صرافی‌ها، کیف‌پول‌ها، و کسب‌وکارهای مرتبط را ملزم به ارائه اطلاعات مالی به سازمان امور مالیاتی کند ایجاد مشوق‌هایی برای کاربران و کسب‌وکارها برای ثبت داوطلبانه اطلاعات

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

جدول ۵. سیاست‌های میان‌مدت (برای چالش‌های استراتژیک)

سیاست	هدف	اقدامات
هماهنگی با قوانین بین‌المللی	جلوگیری از خروج سرمایه و فرار مالیاتی	همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای تبادل داده‌های مالیاتی مرتبط با رمز ارزها. تدوین مقررات مشترک بین کشورها برای مقابله با فرار مالیاتی و کاهش شکاف‌های قانونی.
استانداردسازی ارزش‌گذاری رمز ارزها	شفاف‌سازی در مالیات‌ستانی از معاملات و دارایی‌های دیجیتال	تعریف روش‌های ارزش‌گذاری روزانه و میانگین برای ارزهای دیجیتال. همکاری با صرافی‌های بین‌المللی برای به‌روزرسانی قیمت‌ها و ارزش‌گذاری دقیق
توسعه قوانین مالیات بر ثروت دیجیتال	جلوگیری از تمرکز ثروت غیرمشمول مالیات	تعریف چارچوب قانونی برای شناسایی دارایی‌های دیجیتال به‌عنوان ثروت. ایجاد سیستم خوداظهاری برای صاحبان کیف‌پول‌های رمز ارزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۶. سیاست‌های بلندمدت (برای چالش‌های کم‌اهمیت‌تر)

سیاست	هدف	اقدامات
بازنگری در صدور مجوزهای فعالیت	ایجاد شفافیت قانونی برای فعالیت در حوزه ارزهای دیجیتال	تعریف قوانین شفاف برای صدور مجوز به صرافی‌ها و کسب‌وکارهای مرتبط. پایش مستمر فعالیت‌های دارای مجوز برای جلوگیری از تخلفات.
ایجاد چارچوب جریمه‌های قانونی	مقابله با پنهان‌کاری و فرار مالیاتی	تعیین جریمه‌های مالی و کیفری برای تخلفات در گزارش معاملات یا کتمان درآمد. ایجاد مشوق‌هایی برای تشویق به افشای داوطلبانه اطلاعات.
آگاهی‌بخشی عمومی	افزایش آگاهی کاربران از مسئولیت‌های مالیاتی	برگزاری کمپین‌های آموزشی درباره قوانین مالیاتی مرتبط با رمز ارزها. همکاری با رسانه‌ها و صرافی‌ها برای اطلاع‌رسانی گسترده.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

بحث مالیات دیجیتال بسیار گسترده است و سیاست‌گذاران باید به دنبال رعایت اصول صحیح در تدوین، اصلاح و [در بعضی موارد] حذف سیاست‌های مالیاتی دیجیتال باشند. در دو حوزه مالیات مصرف و مالیات بر درآمد شرکت‌ها [و قوانین مربوط به تأسیس دائمی]، کشورها در تلاش‌اند قوانین موجود خود را به مشاغل دیجیتال نیز گسترش دهند. این امر فرصتی برای حرکت به سمت رفتار برابر با مدل‌های تجاری فیزیکی و دیجیتالی است، اما چالش‌های واقعی برای همسوسازی استانداردها و اجرای سیاست‌ها به‌صورت چندجانبه وجود دارد. انتخاب سیاست‌های مالیاتی غالباً منعکس‌کننده تصمیمات سیاست‌گذاران در مورد اهمیت نسبی هر یک از این اصول است و همچنین منعکس‌کننده ملاحظات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر خارج از حوزه مالیات خواهد بود. سیاست‌های موجود در این حوزه‌ها باید همسو با سایر حوزه‌های قضایی باشند، هزینه‌های پیچیدگی و تمکین را به حداقل برسانند و از برخورد متفاوت با بخش‌های تجاری خاص جلوگیری کنند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

سپاسگزاری

مقاله حاضر، مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «شناسایی چالش‌ها و روش‌های مالیات‌ستانی از اقتصاد دیجیتال و برآورد ظرفیت مالیاتی آن در ایران» است که با حمایت مالی سازمان امور مالیاتی کشور و با نظارت مرکز آموزش و پژوهش این سازمان انجام شده است. ازاین‌رو از زحمات و حمایت‌های مالی و علمی این سازمان به‌خصوص جناب آقای دکتر برزگری رئیس محترم وقت و سرکار خانم سِیَر کارشناس محترم این مرکز درراستای انجام پروژه قدردانی می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

منابع

توکل، محمد (۱۳۸۵). «مالیات و بازرگانی الکترونیک». *فصلنامه مالیات*، دوره ۴۱، ص ۳۵-۲۸.

رضایی‌نژاد، فرشاد؛ صالحی، مهدی؛ همت‌فر، محمود و محمدحسن جنانی (۱۴۰۰). «ارائه مدل مفهومی ظرفیت مالیات بر تجارت الکترونیک و مالیات فروش‌های اینترنتی در شناسایی، اندازه‌گیری و جلوگیری از اجتناب مالیاتی: مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی شهر و استان تهران». *پژوهشنامه مالیات*، دوره ۵۰، ص ۹۸، صص ۱۱۴-۸۷.

سیف‌اللهی، ناصر و کلثوم اکبری آریاطان (۱۴۰۲). «شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصاد دیجیتال در توسعه کسب‌وکارهای خانگی زنان روستایی». *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۸۱، صص ۸۰۶-۷۸۲.

طاهری بروجنی، رضا و رضا حسینی (۱۳۹۹). «بررسی چالش‌های فراروی اخذ مالیات بر تجارت الکترونیک». *پژوهشنامه مالیات*، دوره ۹۴، صص ۱۵۳-۱۲۹.

طیب‌نیا، علی و سمیه سیاوشی (۱۳۸۸). «مالیات‌ستانی از تجارت الکترونیکی در ایران». *فصلنامه تخصصی مالیات*، دوره ۷، شماره ۵۵، صص ۴۳-۹.

محمودزاده، محمود و محمد حسن‌زاده (۱۳۸۵). «مالیات بر تجارت الکترونیکی: مقدمه‌ای بر تدوین قانون مالیات بر تجارت الکترونیکی در ایران». *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۱۴، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۱۱۷- ۸۵.

AICPA (2018). *Taxation of the Digitalized Economy*. North Carolina Association of International Certified Professional Accountants.

Bekhradi Nasab V., Bazrafakn A. & A. Khoshdel (2022). "Examining the Challenges and Methods of Receiving Taxes of the Digital Economy in Isfahan Province". *International Journal of Finance, Accounting and Economics Studies*, 3(2), pp. 15-34.

Boccia F. and R. Leonardi (2016). *The Challenge of the Digital Economy*. London: Palgrave Macmillan.

Bunn D., Asen E. & C. Enache (2020). *Digital Taxation Around the World*. Washington D.C: Tax Foundation.

Carpentieri L., Micossi S. & P. Parascandolo (2019). "Overhauling Corporate Taxation in the Digital Economy". *CEPS Policy Insights*, No.15, pp. 1–19.

Cuenca J.S. (2021). "Emerging tax issues in the digital economy". *Philippine Institute For Devel Opment Studies*, No. 8, pp. 1-35.

Ghayoom Zadeh M.R., Rashidian E. & M. Letafat Nejad (2017). "Identifying the Challenges of Establishing an Integrated Health System (SIB) and its

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]

Implementation from the Perspective of Field and Residential User Staff at Tehran University of Medical Sciences One Year After Running". *A Qualitative Study, Hakim*, 23(1), pp. 46-62.

Hadzhieva E. (2016). *Tax Challenges in the Digital Economy*. Strasburg: European Parliament.

Harpaz A. (2021). "Taxation of the Digital Economy: Adapting a Twentieth-Century Tax System to a Twenty-First-Century Economy". *The Yale Journal Of International Law*, No. 46, pp. 57.

Hooman HA. (2006). *Practical Guide to Qualitative Research*. Tehran: SAMT.

Kabwe R. & S. van Zyl (2021). "Value-added tax in the digital economy: A fresh look at the South African dispensation". *Obiter*, No. 42, pp. 499–528.

KPMG (2024). *Taxation of the digitalized economy*. Nederland kpmg.com/us

Li Y. & M. Liu. (2022). *The People's Republic of China's Tax Reform in the Digital Economy Progress and Challenges*. Great Britain: Routledge.

Lucas-Mas C. & R. Junquera-Varela (2021). *Tax Theory Applied to the Digital Economy: A Proposal for a Digital Data Tax and a Global Internet Tax Agency*. United States of America: World Bank Group.

Mpofu F.Y. (2022). "Taxation of the Digital Economy and Direct Digital Service Taxes: Opportunities, Challenges, and Implications for African Countries". *Economies*, 10(9), pp. 219-247.

OECD (2020). Statement by the OECD/G20 Inclusive Framework on BEPS on the Two-Pillar Approach to Address the Tax Challenges Arising from the Digitalisation of the Economy. Paris: Organization for Economic Co-operation and Development.

OECD. (2014). *Measuring the Digital Economy – A New Perspective*. Paris: Organization for Economic Co-operation and Development.
http://www.oecd.org/sti/measuring-the-digital-economy-9789264221796-en.htm

OECD. (2018). *Tax Challenges Arising from Digitalization*. Paris: Organization for Economic Co-operation and Development.

Sun Yiguo. (2019). The Infuence of Digital Tax on China. Business Economy. No.12, pp. 165-173.

Tsindeliani I.A., Burova A.S., Migacheva E.V., Anisina K., Kopina A. A., Rodygina V.E (2019). "Main elements of taxation in the conditions of the development of digital economy". *Utopía y Praxis Latinoamericana*, 24(5), pp.129-137.

Zhu Chun-xiao (2021). "Analysis on Tax Collection and Management of Digital Economy". *E3S Web of Conferences*, 253(1), pp. 4.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.232]